

## استراتژی گسترش حضور نظامی امریکا در خلیج فارس، به بهانه بازدید از تاسیسات نظامی عراق

# احتمال جنگ جدید در خلیج فارس

ب. امید (سوند)

جنجال بر سر بررسی تاسیسات نظامی عراق از سوی فرستادگان سازمان ملل متحد و مقاومت دولت عراق از دادن اجازه ورود به کاخ‌های صدام حسین، تشنج در منطقه خلیج فارس را تشدید کرد و زمینه‌های تبلیغاتی را برای ادامه و گسترش حضور نظامی امریکا در منطقه فراهم ساخت.

کانون این تبلیغات و جنجال نویی را، ضرورت بازرسی و یافتن سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک تولید شده توسط دولت عراق عنوان کردند. این جنجال تا اعلام امکان ضربه اتمی به عراق پیش رفت.

هدف امریکا از لشکر کشی و تهدید عراق به حمله نظامی و حتی استفاده از بمب اتمی در اظهارات مقامات رسمی پنتاگون منعکس گردید، چیست؟

امریکا در حالی دفاع از قطعنامه‌ها و تصمیمات سازمان ملل را بهانه جنجال‌های اخیر کرده، که هنوز خود بدهی‌هایش را به سازمان ملل پرداخت نکرده و از این طریق نیز این سازمان را تحت فشار برای هتاهنگی با سیاست‌های امریکا قرار داده است. دفاع امریکا از قطعنامه سازمان ملل متحد برای بازرسی از عراق، درحالی صورت می‌گیرد که متحد اصلی امریکا در خاورمیانه، یعنی دولت اسرائیل، نه تنها به قطعنامه‌های سازمان ملل واقعی نمی‌گذارد، بلکه از تعهدات خود در قبال فلسطینی‌ها نیز به اشکال مختلف شانه خالی می‌کند. امریکا تمامی این عهد شکنی‌های اسرائیل را با سکوت برگزار می‌کند و در این زمینه نه از سازمان ملل حرف می‌زند و نه از اجرای تصمیمات آن. امریکا، همچنین نه از دولت اسرائیل که داشتن بمب اتمی را حق خود می‌داند، انتقاد می‌کند و نه اعمال تروریستی دولت اسرائیل را محکوم می‌کند.

دولت امریکا، از دهه ۹۰ و بدنبال فروپاشی اتحاد شوروی سابق و انحلال پیمان ورشو، جهان را صحنه ترکانازی خود قرار داده است. پس از شکست امریکا در جنگ ویتنام، در سال ۱۹۷۵، این کشور در هیچ جنگی به این وسعت و گستردگی به اعزام نیرو اقدام نکرده است. فشار افکار عمومی امریکا و وجود قطب نیرومند نظامی کشورهای اروپای شرقی، مانع اصلی ماجراجویی‌های ماشین جنگی امریکا بود. در آخرین دهه قرن بیستم، امریکا با عنوان استراتژی "نظم نوین جهانی"، در واقع خود را مالک جهان قلمداد کرد. چه در سومالی، در اوایل سالهای ۹۰ و چه در عراق و کویت و چه در قلب اروپا، یوگسلاوی، امریکا مناطقی را اشغال نظامی کرده و آنرا پایگاه خویش ساخته است.

مطبوعات مترقی سوند، بدرستی این سوال را که پاسخ آن برای ما ایرانی‌ها بسیار مهم است، مطرح می‌کنند: امریکا و متحدانش، در طول جنگ ۸ ساله ایران و عراق، از دولت متجاوز عراق حمایت همه جانبه کرد و دولت صدام حسین را در تجهیز ماشین جنگی یاری کرد. همین سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی را دولت عراق، علیه مردم کرد این کشور بکار برد، اما این جنایت، در آن زمان هیچ نوعی محکومیت جدی را از سوی امریکا به همراه نیاورد. نه تنها محکومیتی را همراه نیاورد، بلکه تشویق و تجهیز بیشتر ارتش عراق را نیز همراه داشت!

سیاست امریکا در منطقه خلیج فارس، در تمامی سالهای گذشته، برپایه دو اصل اساسی قرار داشته است:

- گسترش تشنج، ایجاد جنگ‌ها و درگیری‌های منطقه‌ای، تضعیف بنییه مالی کشورهای درگیر، گسترش بازار فروش اسلحه و در نهایت، گسترش حضور مستقیم نیروهای نظامی خود در منطقه خلیج فارس به بهانه ایجاد امنیت در این منطقه.

- ایجاد شکاف در جبهه کشورهای متحد در جبهه مخالف اسرائیل، تقویت رژیم صهیونیستی و در نهایت، پیشبرد سیاست خود در منطقه خاورمیانه، خواه در قالب یک صلح نمایشی و یا تحمیل صلح غیر عادلانه.

جنگ ایران و عراق، با بیش از یک میلیون تلفات و زخمی و معلول و صدها میلیون دلار خسارات وارده بر دو کشور، جنگ عراق و کویت، جنگ در منطقه کردستان، جنگ در افغانستان، همگی با تشدید حضور امریکا در خلیج فارس همراه بوده است و در هر زمان که جنگ گسترش یافته است، خفقان و سرکوب نیز در کشور مربوطه به همان نسبت افزایش و فزونی گرفته است. از این دیدگاه است، که می‌توان یکی از احتمالات تشنج آفرینی‌ها و جنجال‌های اخیر امریکا در منطقه را، مقابله با باز شدن فضای سیاسی در ایران و بازگشت آزادی‌ها به جامعه ایران دانست. این تجربه ایست که امریکا در جریان جنگ ایران و عراق و سرکوب آزادی‌ها در ایران، به بهانه حالت جنگی در کشور بکار برده و احتمال می‌خواهد. این تجربه را یکبار دیگر نیز بکارگیرد.

جنگ‌ها، کینه و برادرکشی را گسترش داده و راه را برای تفاهم و نزدیکی مردم منطقه دشوار کرده است. اگر جنگ ایران و عراق، انقلاب ایران را با دشواری بسیاری روبرو ساخت، خفقان را افزایش داد و زمینه‌های مادی را برای رشد سرمایه داری محترک، بازار، دلان اسلحه در سپاه پاسداران و ارتش و گسترش ناوگان جنگی امریکا در خلیج فارس فراهم ساخت، در جنگ عراق-کویت میان کشورهای عربی شکاف عمیقی پدیدار شد، سرمایه عظیمی از مردم این کشورها به چاه جنگ افزارهای پیشرفته امریکایی ریخته شد و رژیم‌های مرتجع منطقه بخش اعظم لشکر کشی امریکا را از نظر مالی تامین کردند، منطقه خلیج فارس به آزمایشگاه سلاح‌های پیشرفته تبدیل شد، هر دو کشور عراق و کویت آسیب‌های جبران ناپذیری دیدند و انفجار منابع عظیم نفتی در کویت فاجعه آلودگی اکولوژیک خلیج فارس را به همراه داشت.

دو کانون جنگ، در دو کشور همسایه ایران، یعنی عراق و افغانستان، کشور ما را در مرکز یک آتشفشان قرار داده است. امریکا، با براه انداختن گروه طالبان در افغانستان و ایجاد حالت جنگی در عراق، می‌خواهد سیر تحولات در ایران را به آنسو که می‌خواهد، هدایت کند. امریکا می‌خواهد با تشدید جنگ‌های جدید منطقه‌ای، پشت جبهه نیرومندی را برای نفوذ هر چه بیشتر در کشورهای آسیای اتحاد شوروی سابق فراهم کند. این خود تدبیری است از سوی امریکا برای مقابله با تحولات انقلابی و مترقی در همین کشورهای و حتی روسیه!

از اوایل سالهای ۱۹۸۰ میلادی، یا در کشورها و یا در یکی از کشورهای همسایه ایران، جنگ و خونریزی جریان داشته و این جنگ به نوعی بر سرنوشت و آینده ایران دخالت داشته است. البته این بار، بر خلاف جنگ اول خلیج فارس، امریکا نتوانسته است، آنگونه که انتظار داشت، حمایت همه کشورهای اروپایی را برای اعمال سیاست جنگی خود به منطقه، جلب کند. بویژه با مخالف روسیه با حمله نظامی امریکا به عراق، سیاست جنگی امریکا در منطقه با دشواری روبرو شده است. مخالفت روسیه با سیاست‌های نظامی امریکا در منطقه خلیج فارس نیز، عملاً توسط فراکسیون پر قدرت کمونیست‌ها در پارلمان روسیه، به دولت این کشور تحمیل شده است. این درحالی است، که فرانسه نیز در میان کشورهای اروپایی، با حمله نظامی امریکا به عراق موافقت نکرده است، و ایران نیز رسماً با هر نوع حمله نظامی امریکا به خاک عراق مخالفت کرده است. در این نکته که کشورهای منطقه طی دو دهه اخیر، تحت تاثیر سیاست‌های صدام حسین، که اغلب همسو با خواست‌ها و سیاست‌های امریکا در منطقه و یا به تحریک آن صورت گرفته، متحمل صدمات بسیار شده است تردید نیست، اما این سادگی است، اگر تصور شود آنچه امریکا در منطقه خلیج فارس می‌کند و سیاست نظامی که در منطقه پیگیری می‌کند، بدلیل وجود صدام حسین در عراق و یا وجود سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیک در این کشور است. امریکا به سیاست‌ها و سیاستمدارانی نظیر صدام حسین، برای استراتژی خود در منطقه نیازمندان است، چرا که تشنج و جنگ افروزی را در منطقه می‌خواهد.